

متن کامل قانون جدید

چک

مصوب تیرماه ۱۳۵۵ و اصلاحیه مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۱
مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۴۱۸۹ مورخ ۷۲/۹/۱

آماده شده برای کتابخانه الکترونیکی آشیان

<http://www.ashianlibrary.com>

ماده ۱

ماده یک: انواع چک عبارت است از:

- ۱- چک عادی، چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادر کننده آن ندارد.
- ۲- چک تاییده شده، چکی است که اشخاص عهده بانکها، به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تایید می شود.
- ۳- چک تضمین شده، چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می شود.
- ۴- چک مسافرتی، چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می گردد.

ماده ۲

چک های صادر عهده بانک هایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می شوند همچنین شعب آنها در خارج از کشور در حکم اسناد لازم الاجرا است و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد می تواند طبق قوانین و آیین نامه های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقیمانده آن را از صادر کننده وصول نماید.

برای صدور اجرائیه دارنده چک باید عین چک و گواهینامه مذکور در ماده ۳ و یا گواهی نامه مندرج در ماده ۳ و یا گواهی نامه مندرج در ماده ۴ را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید.

اجرا ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می کند که مطابقت امضای چک با نمونه امضای صادر کننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد.

دارنده چک اعم است از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او پشت نویسی شده یا حامل چک (در مورد چکهای در وجه حامل) یا قائم مقام قانونی آنان.

قانون الحاق یک تبصره به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از

قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۵/۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی

ماده واحده- متن زیر به عنوان تبصره به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۵/۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی الحاق می گردد.

تبصره ۵- دارنده چک می تواند محکومیت صادر کننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید، در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادر کننده حکم تقدیم نماید. مصوبه فوق که مورد تعارض میان مجلس و شورای نگهبان قرار گرفته بود، در اجرای اصل یکصد و دوازده قانون اساسی در جلسه روز شنبه مورخ دهم خردادماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجمع تشخیص مصلحت نظام، مطرح شد و عیناً به تصویب رسید.

قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام روزنامه رسمی شماره ۱۵۷۱۶ مورخ

۱۳۷۷/۱۱/۱۷

موضوع استفسار:

آیا مراد از خسارات و هزینه های مقرر در تبصره الحاقی به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوبه ۱۳۷۶/۳/۱۰، کلیه خسارات و هزینه های لازم از قبیل هزینه

دادرسی، حق الوکاله، ضمان ناشی از تسبیب، خسارات تاخیر تادیه و امثال آن می باشد؟ در این صورت مبنای محاسبه خسارات، مقررات بانکی است یا مبنای آن عرف می باشد که قاضی به استناد نظر به

نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام:

ماده واحده: منظور از عبارت "کلیه خسارات و هزینه های وارد شده ... " مذکور در تبصره الحاقی به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارات تاخیر تادیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله بر اساس تعرفه های قانونی است.

تفسیر فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه روز شنبه بیست و یکم آذرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت مجمع تشخیص مصلحت نظام، به تصویب رسیده است.

ماده ۳

صادر کننده چک باید در تاریخ صدور و معادل مبلغ چک در بانک محال علیه محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده) داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید.

هر گاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد.

ماده ۴

هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده ۲ پرداخت نگردد بانک مکلف است در برگ مخصوصی که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادر کننده در آن ذکر شده باشد علت یا علل عدم پرداخت را صریحا قید و آن را امضا و مهر نموده و به دارنده چک تسلیم نماید.

در برگ مزبور باید مطابقت امضا صادر کننده با نمونه امضای موجود در بانک (در حدود عرف بانکداری) و یا عدم مطابقت آن از طرف بانک تصدیق شود. بانک مکلف است به منظور اطلاع صادر کننده چک فوراً نسخه دوم این برگ را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است ارسال دارد. در برگ مزبور باید نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک نیز قید گردد.

ماده ۵

در صورتی که موجودی حساب صادر کننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد به تقاضای دارنده چک بانک مکلف است مبلغ موجود در حساب را به دارنده چک پردازد و دارنده چک با قید مبلغ دریافت شده در پشت چک و تسلیم آن به بانک گواهینامه مشتمل بر مشخصات چک و مبلغی که پرداخت شده از بانک دریافت می نماید. چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده بی محل محسوب و گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود.

در مورد این ماده نیز بانک مکلف است اعلامیه مذکور در ماده قبل را برای صاحب حساب ارسال نماید.

ماده ۶

بانکها مکلفند در روی هر برگ چک نام و نام خانوادگی صاحب حساب را قید نمایند.

ماده ۷

هر کس مرتکب تخلف مندرج در ماده ۳ گردد به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال و حسب مورد پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه چک یا یک چهارم کسر موجودی هنگام ارائه چک به بانک محکوم خواهد شد.

ماده ۸

چکهایی که در ایران عهده بانکهای واقع در خارج کشور صادر شده و منتهای به گواهی عدم پرداخت شده باشند از لحاظ کیفری مشمول مقررات این قانون خواهند بود.

ماده ۹

در صورتی که صادر کننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری وجه چک را نقدا به دارنده آن پرداخته یا با موافقت شاکی خصوصی ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد، یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم نماید قابل تعقیب کیفری نیست. در مورد اخیر بانک مذکور مکلف است تا میزان وجه چک حساب صادر کننده را مسدود نماید و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک وجه آن را پیردازد.

ماده ۱۰

هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید عمل وی در حکم صدور چک بی محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در بنده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیر قابل تعلیق است.

ماده ۱۱

جرائم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست و در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت.

منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است. برای تشخیص این که چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده است بانکها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید نمایند.

کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری نخواهد داشت مگر آن که انتقال قهری باشد. در صورتی که دارنده چک بخواد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک قید نماید و در این صورت بانک اعلامیه مذکور در ماده ۳ و ۴ را به نام صاحب چک صادر می کند و حق شکایت کیفری او محفوظ خواهد بود.

تبصره

هر گاه بعد از شکایت کیفری شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هر نحو به دیگری واگذار نماید تعقیب کیفری موقوف خواهد شد.

ماده ۱۲

هر گاه قبل از صدور حکم قطعی شاکی گذشت نماید و یا این که متهم وجه چک و خسارات تاخیر تادیه را نقدا به دارنده آن پرداخت کند، موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور (از قرار صدی دوازده در سال از تاریخ ارائه چک به بانک) را فراهم کند یا در

صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع نماید مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد.

صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه نسبت به سایر خسارات مورد مطالبه رسیدگی و حکم صادر کند.

هر گاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند و یا این که محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارات تاخیر تادیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید، اجرای حکم موقوف می شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.

ماده ۱۳

صدور چک به عنوان تضمین یا تامین اعتبار یا مشروط، و عده دار یا سفید امضا ممنوع است. صادر کننده در صورت شکایت ذینفع و عدم پرداخت به مجازات حبس از شش ماه تا ۲ سال و یا جزای نقدی از یک صد هزار تا ده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۱۴

صادر کننده چک یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها به تصریح به این که چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده می تواند کتبا دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستور دهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می نماید.

دارنده چک می تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هرگاه خلاف ادعائی که موجب عدم پرداخت شده ثابت گردد دستور دهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد.

تبصره ۱

ذینفع در مورد این ماده کسی است که چک به نام او صادر یا ظهر نویسی شده یا چک به او واگذار گردیده باشد (یا چک در وجه حامله به او واگذار گردیده). در موردی که ذینفع دستور عدم پرداخت می دهد بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستور دهنده در حساب مسدودی نگهداری نماید.

تبصره ۲

دستور دهنده مکلف است پس از اعلام به بانک شکایت خود را به مراجع قضائی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم نماید در غیر این صورت پس از انقضا مدت مذکور بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت کند.

تبصره ۳

پرداخت چکهای تضمین شده و مسافرتی را نمی توان متوقف نمود مگر آنکه بانک صادر کننده ادعای جعل نماید. در این مورد نیز حق دارنده چک راجع به شکایت به مراجع قضائی طبق مفاد قسمت اخیر ماده ۱۴ محفوظ خواهد بود.

ماده ۱۵

دارنده چک می تواند وجه چک و ضرر و زیان خود را در دادگاه کیفری مرجع رسیدگی مطالبه نماید.

ماده ۱۶

رسیدگی به کلیه شکایات و دعاوی جزائی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی، فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۷

وجود چک در دست صادر کننده دلیل پرداخت وجه آن و انصراف شاکی از شکایت است مگر این که خلاف این امر ثابت گردد.

ماده ۱۸

در صورتی که وجه چک در بانک تامین نشده باشد، مرجع رسیدگی مکلف است وجه الضمان نقدی یا ضمانتنامه بانکی (که تا تعیین تکلیف نهائی معتبر باشد) معادل وجه چک یا قسمتی از آن که مورد شکایت واقع شده از متهم اخذ نماید. هرگاه صادر کننده چک متعدد باشند مرجع تعقیب می تواند مبلغ وجه الضمان یا ضمانت نامه بانکی را به میزان مسئولیت هر یک از آنان و در صورت معلوم نبودن میزان مسئولیت بطور تساوی تقسیم نماید. در صورتی که یکی از متهمین معادل تمام مبلغ چک وجه الضمان یا ضمانتنامه بانکی داده باشد از بقیه متهمین تامین متناسب اخذ خواهد شد. در موارد مذکور در ماده ۱۴ نیز حسب مورد در صورتی که وجه چک در بانک تامین نشده باشد تا زمانی که دلائل و قرائن موجهی بر صحت ادعای صادر کننده چک یا ذینفع به دست نیامده مرجع رسیدگی تامین فوق را اخذ خواهد کرد.

همچنین در صورتی که متهم برای پرداخت وجه چک درخواست مهلت نماید، مرجع رسیدگی در صورت اقتضا می تواند با اخذ تامین مناسب دیگر تا یک ماه به او مهلت دهد. در این صورت اگر متهم ظرف مهلت مقرر وجه چک را نپردازد تامین مزبور به وجه الضمان تبدیل خواهد شد.

تبصره

در صورت که وجه الضمان یا ضمانت نامه مذکور در این ماده تودیع شده باشد تامین خواسته از اموال متهم جایز نیست. در این صورت ضرر و زیان مدعی خصوصی از محل وجه الضمان یا ضمانتنامه باید پرداخت گردد.

ماده ۱۹

در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادر کننده چک و صاحب حساب متضامنا مسئول پرداخت وجه چک بوده و اجرائیه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو صادر می شود. به علاوه امضا کننده چک طبق مقررات این قانون مسئولیت کیفری خواهد داشت مگر این که ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسئول خواهد بود.

ماده ۲۰

مسئولیت مدنی پشت نویسان چک طبق قوانین و مقررات مربوط کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۲۱

بانکها مکلفند کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که بیش از یک بار چک بی محل صادر کرده و تعقیب آنها منتهی به صدور کیفر خواست شده باشد بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگری باز ننمایند.

مسئولین شعب هر بانکی که به تکلیف فوق عمل ننمایند حسب مورد با توجه به شرائط و امکانات و دفعات و مراتب جرم به یکی از مجازاتهای مقرر در ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری توسط هیات رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهند شد.

تبصره ۱

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است سوابق مربوط به اشخاصی را که مبادرت به صدور چک بلامحل نموده اند به صورت مرتب و منظم ضبط و نگهداری نماید و فهرست اسامی این اشخاص را در اجرای مقررات این قانون در اختیار کلیه بانکهای کشور قرار دهد.

تبصره ۲

ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و نحوه پاسخ به استعلامات بانکها به موجب آئین نامه ای خواهد بود که ظرف مدت سه ماه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تنظیم و به تصویب هیات دولت می رسد.

ماده ۲۲

در صورتی که به متهم دسترسی حاصل نشود آخرین نشانی متهم در بانک محال علیه اقامتگاه قانونی او محسوب است و هر گونه ابلاغی به نشانی مزبور به عمل می آید مگر آن که متهم به ترتیب مقرر در تبصره ماده ۱۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری نشانی دیگری تعیین کرده باشد.

هر گاه متهم حسب مورد به نشانی بانکی یا نشانی تعیین شده شناخته نشود یا چنین محلی وجود نداشته باشد گواهی مامور به منزله ابلاغ اوراق تلقی می شود و رسیدگی بدون لزوم احضار متهم به وسیله مطبوعات ادامه خواهد یافت.

ماده ۲۲ قانون صدور چک مصوب خرداد ۱۳۴۴ نسخ می شود.

مفادی از مواد قانون تجارت در ارتباط با

برات - فته طلب (سفته) و چک

فصل اول - برات

مبحث اول - صورت برات

ماده ۲۲۳

برات علاوه بر امضا یا مهر برات دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد:

- ۱- قید کلمه (برات) در ورقه
- ۲- تاریخ تحریر (روز و ماه و سال)
- ۳- اسم شخصی که باید برات کننده را تادیه نماید
- ۴- تعیین مبلغ وجه برات
- ۵- تاریخ تادیه وجه برات
- ۶- مکان تادیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محال علیه باشد یا محل دیگر
- ۷- اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخت می شود.
- ۸- تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است

ماده ۲۲۴

برات ممکن است به حواله کرد شخص دیگری باشد یا به حواله کرد خود برات دهنده.

ماده ۲۲۵

تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می شود اگر مبلغ بیش از یک دفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است.

ماده ۲۲۶

در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲-۳-۴-۵-۶-۷ و ۸ ماده ۲۲۳ نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجارتي نخواهد بود.

ماده ۲۲۷

برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.

مبحث دوم

در قبول و نکول

ماده ۲۲۸

قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضا یا مهر می شود.
در صورتی که برات به وعده از رویت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد.
اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات تاریخ رویت حساب می شود.

ماده ۲۲۹

هر عبارتی که محال علیه در برات نوشته امضا یا مهر کند قبول محسوب است مرگ این که صریحا عبارت مشعر بر عدم قبول باشد.

اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جز از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است. در صورتی که محال علیه بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضا یا مهر نماید برات قبول شده محسوب می شود.

ماده ۲۳۰

قبول کننده برات ملزم است وجه آن را سر وعده تادیه نماید.

ماده ۲۳۱

قبول کننده حق نکول ندارد

ماده ۲۳۲

ممکن است قبولی منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد در این صورت دارنده برات برای بقیه اعتراض نماید.

ماده ۲۳۳

اگر قبولی مشروط نوشته شد برات نکول شده محسوب می شود ولی معهذا قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است.

ماده ۲۳۴

در قبول براتی که وجه آن در خارج از محل اقامت قبول کننده باید تادیه شود تصریح به مکان تادیه ضروری است.

ماده ۲۳۵

برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.

ماده ۲۳۶

نکول برات باید به موجب تصدیق نامه که رسماً تنظیم می شود محقق گردد تصدیق نامه مزبور موسوم است به اعتراض (پروتست) نکول.

ماده ۲۳۷

پس از اعتراض نکول ظهر نویسه‌ها و برات دهنده به تقاضای دارنده باید ضامنی برای تادیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض نامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تادیه نمایند.

ماده ۲۳۸

اگر بر علیه کسی که براتی را قبول کرده ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تادیه شود دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است می تواند از قبول کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.

مبحث سوم

در قبولی شخص ثالث

ماده ۲۳۹

هر گاه براتی نکول شد و اعتراض به عمل آمد شخص ثالثی می تواند آن را به نام برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها قبول کند- قبولی شخص ثالث باید در اعتراض نامه قید شود و به امضا او برسد

ماده ۲۴۰

بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات تادیه نشده کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل برات دهنده و ظهرنویسها حاصل می شود محفوظ خواهد بود.

مبحث چهارم

در وعده برات

ماده ۲۴۱

برات ممکن است برویت باشد یا به وعده یک یا چند روزه یا یک یا چند ماه از رویت برات، یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از تاریخ برات- ممکن است پرداخت بروز معینی موکول شده باشد

ماده ۲۴۲

هرگاه برات بی وعده قبول شد باید فوراً پرداخت شود

ماده ۲۴۳

موعد پرداخت براتی که یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رویت وعده دارد بوسیله تاریخ قبولی با تاریخی اعتراض نامه نکول معین می شود.

ماده ۲۴۴

اگر مود پرداخت برات با تعطیل تصادف کرد باید روز بعد از تعطیل تادیه شود.

تبصره

همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتي نیز رعایت خواهد شد.

مبحث پنجم

ظهر نویسی

ماده ۲۴۵

انتقال برات به وسیله ظهر نویسی به عمل می آید.

ماده ۲۴۶

ظهر نویسی باید به امضا ظهر نویس برسد ممکن است در ظهر نویسی تاریخ و اسم کسی که برات به او انتقال داده می شود قید گردد.

ماده ۲۴۷

ظهر نویسی حاکی از انتقال برات است مگر این که وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول ولدی الاقتضا حق اعتراض و اقامه دعوی برای وصول خواهد داشت جز در مواردی که خلاف این در برات تصریح شده باشد.

ماده ۲۴۸

هر گاه ظهر نویس در ظهر نویسی تاریخ مقدمی قید کند مزور شناخته می شود.

مبحث ششم

مسئولیت

ماده ۲۴۹

برات دهنده - کسی که برات را قبول کرده و ظهر نویسها در مقابل دارنده برات مسئولی تضامنی دارند.

دارنده برات در صورت عدم تادیه و اعتراض می تواند بهر کدام از آنها که بخواهد (منفردا) یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعا رجوع نماید. همین حق را هر یک از ظهر نویسها نسبت به برات دهنده و ظهر نویسهای ما قبل خود دارند.

یک اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولی موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین برات نیست اقامه کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهر نویسی را از حیث تاریخ رعایت کند ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهر نویس را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی ندارد که از او ضمانت نموده است

ماده ۲۵۰

هر یک از مسئولین تادیه برات می تواند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراض نامه و صورت حساب متفرعات و مخارج قانونی که باید پردازد موکول کند

ماده ۲۵۱

هر گاه چند نفر از مسئولین برات ورشکست شوند دارنده برات می تواند در هر یک از غرما یا در تمام غرما برای وصول طلب خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی) داخل شود تا این که طلب خود را کاملا وصول نماید. مدیر تصفیه هیچیک از ورشکستگان نمی توانند برای وجهی که به صاحب چنین طلب پرداخت می شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع نماید مگر در صورتی که مجموع وجوهی که از دارایی تمام ورشکستگان به صاحب طلب تخصیص می یابد بیش از میزان طلب او باشد در این صورت مازاد باید به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته اند جز دارایی ورشکستگانی محسوب گردد که به سایر ورشکسته ها حق رجوع دارند

تبصره

مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری نیز که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی داشته باشند مرعی خواهد بود.

مبحث هفتم

در پرداخت

ماده ۲۵۲

پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده به عمل می آید

ماده ۲۵۳

اگر دارنده برات به برات دهنده یا کسی که برات را به او منتقل کرده است پولی غیر از آن نوع که در برات تعیین شده است بدهد و آن برات در نتیجه نکول یا امتناع از قبول و یا عدم تادیه اعتراض شود، دارنده برات می تواند از دهنده برات یا انتقال دهنده نوع پولی را که داده یا نوع پولی را که در برات معین شد مطالبه کند ولی از سایر مسئولین وجه برات جز نوع پولی که در برات معین شده قابل مطالبه نیست.

ماده ۲۵۴

برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخت شود

ماده ۲۵۵

روز رویت در برواتی که به وعده از رویت است و روز صدور برات در برواتی که به وعده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد.

ماده ۲۵۶

شخصی که وجه برات را قبل از موعد تادیه نموده در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حقی دارند مسئول است

ماده ۲۵۷

اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهر نویسهای ما قبل خود و برات دهنده که به مهلت مزبور رضایت نداده اند حق رجوع نخواهد داشت.

ماده ۲۵۸

شخصی که در سر وعده وجه برات را می پردازد بری الذمه محسوب می شود مگر آن که وجه برات قانونا در نزد او توقیف شده باشد.

ماده ۲۵۹

پرداخت وجه برات ممکن است به موجب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ، به عمل آید در صورتی که در روی آن نسخه قید شده باشد که پس از پرداخت وجه به موجب این نسخه دیگر از اعتبار ساقط است.

ماده ۲۶۰

شخصی که وجه برات را بر حسب نسخه ای پردازد که در روی آن قبولی نوشته نشده در مقابل شخصی که نسخه قبولی شده را دارد مسئول پرداخت وجه آن است

ماده ۲۶۱

در صورت گم شدن براتی که هنوز قبول نشده است صاحب آن می تواند وصول وجه آن را بر حسب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ تقاضا کند

ماده ۲۶۲

اگر نسخه مفقود نسخه ای باشد که قبولی در روی آن نوشته شده تقاضای پرداخت از روی نسخه های دیگر فقط به موجب امر محکمه پس از دادن ضامن به عمل می آید

ماده ۲۶۳

اگر شخصی که برات را گم کرده اعم از این که قبولی نوشته شده یا نشده باشد می تواند نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ را تحصیل نماید پس از اثبات این که برات متعلق به او است می تواند با دادن ضامن تادیه وجه آن را به موجب امر محکمه مطالبه کند

ماده ۲۶۴

اگر با وجود تقاضایی که در مواد ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ به عمل آمده است از تادیه وجه برات امتناع شود صاحب برات مفقود می تواند تمام حقوق خود را به موجب اعتراض نامه محفوظ بدارد

ماده ۲۶۵

اعتراض نامه مذکور در ماده فوق باید ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ وعده برات تنظیم شده و در مواعد و ترتیبی که در این قانون برای ابلاغ اعتراض نامه معین شده است به برات دهنده و ظهر نویسها ابلاغ گردد.

ماده ۲۶۶

صاحب برات مفقود برای تحصیل نسخه ثانی باید به ظهر نویسی که بلافاصله قبل از او بوده است رجوع نماید

ظهر نویس مزبور ملزم است به صاحب برات اختیار مراجعه به ظهر نویس ما قبل خود را داده و راهنمایی کند و همچنین هر ظهر نویسی باید اختیار رجوع به ظهر نویس ما قبل خود بدهد تا به برات دهنده برسد مخارج این اقدامات بر عهده صاحب برات مفقود خواهد بود
ظهر نویس در صورت امتناع از دادن اختیار مسئول تادیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است

ماده ۲۶۷

در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع به مواد ۲۶۲ و ۲۶۳) مدتی برای ضمانت خود معین نکرده باشد مدت ضمان سه سال است و هر گاه در ظرف این سه سال رسماً مطالبه یا اقامه دعوی نشده باشد دیگر از این حیث دعوی بر علیه او در محکمه مسموع نخواهد بود

ماده ۲۶۸

اگر مبلغی از وجه برات پرداخت شود به همان اندازه برات دهنده و ظهر نویسها بری می شوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه می تواند اعتراض کند

ماده ۲۶۹

محاکم نمی توانند بدون رضایت صاحب برات برای تادیه وجه مهلتی بدهند

مبحث هشتم

تادیه وجه برات به واسطه شخص ثالث

ماده ۲۷۰

هر شخص ثالثی می تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهر نویسها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراض نامه یا در ذیل آن قید شود

ماده ۲۷۱

شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و ظایف دارنده برات است

ماده ۲۷۲

اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهنده پرداخت تمام ظهر نویسه‌ها برای الذمه می‌شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهر نویسه‌ها به عمل آید ظهر نویسه‌های بعد از او بری الذمه اند

ماده ۲۷۳

اگر دو شخص متفقا هر یک از جانب یکی از مسئولین برات برای پرداخت وجه حاضر شوند پیشنهاد آن کسی پذیرفته است که تادیه وجه از طرف او عده زیادتری از مسئولین را بری الذمه می‌کند- اگر خود محال علیه پس از اعتراض برای تادیه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.

مبحث نهم

حقوق و وظایف دارنده برات

ماده ۲۷۴

نسبت به براتی که وجه آن باید در ایران به رویت یا به وعده از رویت تادیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارجه دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یک سال از تاریخ برات مطالبه نماید و الا حق رجوع به ظهر نویسه‌ها و همچنین به برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده ۲۷۵

اگر در برات اعم از این که در ایران صادر شده باشد یا در خارجه برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر شده باشد دارنده برات باید در همام مدت قبولی برات را تقاضا نماید

و الا حق رجوع به ظهر نویسه‌ها و برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده ۲۷۶

اگر ظهر نویس برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید والا در مقابل آن ظهر نویس نمی‌تواند از مقررات مربوطه به بروات استفاده کند.

ماده ۲۷۷

هر گاه دارنده برات به رویت یا به وعده که در یکی از شهرهای ایران صادر و باید در ممالک خارجه تادیه شود در مواعد مقرر در موارد فوق قبولی نوشتن یا پرداخت وجه را مطالبه نکرده باشد مطابق مقررات همان مواد حق او ساقط خواهد شد.

ماده ۲۷۸

مقررات فوق مانع نخواهد بود که بین دارنده برات و برات دهنده و ظهرنویسه‌ها قرارداد دیگری مقرر گردد.

ماده ۲۷۹

دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند

ماده ۲۸۰

امتناع از تادیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده بوسیله نوشته که اعتراض عدم تادیه نامیده می‌شود معلوم گردد.

ماده ۲۸۱

اگر روز دهم تعطیل باشد اعتراض روز بعد به عمل خواهد آمد

ماده ۲۸۲

نه فوت محال علیه و نه ورشکستگی او نه اعتراض نکولی، دارنده برات را از اعتراض عدم تادیه مستغنی نخواهد کرد

ماده ۲۸۳

در صورتی که قبول کننده برات قبل از وعده ورشکست شود حق اعتراض برای دارنده برات باقی است

ماده ۲۸۴

دارنده براتی که به علت عدم تادیه اعتراض شده است باید در ظرف ۱۰ روز از تاریخ اعتراض عدم تادیه را بوسیله اظهار نامه رسمی یا مراسله سفارشی دو قبضه به کسی که برات را به او واگذار نموده اطلاع دهد.

ماده ۲۸۵

هر یک از ظهر نویسها نیز باید در ظرف ۱۰ روز از تاریخ دریافت اطلاع نامه فوق آن را به همان وسیله به ظهر نویس سابق خود اطلاع دهد

ماده ۲۸۶

اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تادیه شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده
بخواهد از حقی که ماده ۲۴۹ برای او مقرر داشته استفاده کند باید در ظرف یکسال از تاریخ
اعتراض اقامه دعوی نماید (اصلاحی ۵۸/۱۰/۲۶)

تبصره

هر گاه محل اقامت مدعی خارج از محلی باشد که وجه برات در آنجا پرداخت شود برای هر
شش فرسخ یک روز اضافه خواهد شد

ماده ۲۸۷

در مورد برواتی که باید در خارج تادیه شود اقامه دعوی بر علیه برات دهنده و یا سایر
ظهرنویسهای مقیم ایران در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید به عمل آید (اصلاحی
۵۸/۱۰/۲۶)

ماده ۲۸۸

هر یک از ظهر نویسها بخواهد از حقی که در ماده ۲۴۹ به او داده شده استفاده نماید باید
در مواعدی که به موجب مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ مقرر است اقامه دعوی کند و نسبت به او موعد
از فردای ابلاغ احضاریه محکمه محسوب است و اگر وجه برات را بدون اینکه بر علیه او
اقامه دعوی شده باشد تادیه نماید از فردای روز تادیه محسوب خواهد شد.

ماده ۲۸۹

پس از انقضا مواعد مقرر در مواد فوق دعوی دارنده برات بر ظهر نویسها و همچنین دعوی
هر یک از ظهر نویسها بر ید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد

ماده ۲۹۰

پس از انقضا مواعد فوق دعوی دارنده و ظهرنویسهای برات بر علیه برات دهنده نیز پذیرفته نمی شود، مشروط بر این که برات دهنده ثابت نماید که در سر وعده وجه برات را به محال علیه خواهد داشت.

ماده ۲۹۱

اگر پس از انقضای موعدی که برای اعتراض و ابلاغ اعتراض نامه یا برای اقامه دعوی مقرر است برات دهنده یا هر یک از ظهرنویسها به طریق محاسبه یا عنوان دیگر وجهی را که برای تادیه برات به محال علیه رسانیده بود مسترد دارد و دارنده برات بر خلاف مقررات دو ماده قبل حق خواهد داشت که بر علیه دریافت کننده وجه اقامه دعوی نماید.

ماده ۲۹۲

پس از اقامه دعوی محکمه مکلف است به مجرد تقاضای دارنده براتی که به علت عدم تادیه اعتراض شده است معادل وجه برات را از اموال مدعی علیه به عنوان تامین توقیف نماید.

مبحث دهم

در اعتراض (پروتست)

ماده ۲۹۳

اعتراض در موارد ذیل به عمل می آید:

۱- در مورد نکول

۲- در مورد امتناع از قبول یا نکول

۳- در مورد عدم تادیه

اعتراض نامه باید در یک نسخه تنظیم و به موجب امر محکمه بدایت به توسط مامور اجرا به محل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود:

۱- محال علیه

۲- اشخاصی که در برات برای تادیه وجه عندالافتضا معین شده اند

۳- شخص ثالثی که برات را قبول کرده است

اگر در محلی که اعتراض به عمل می آید محکمه بدایت نباشد وظایف او با رعایت ترتیب به عهده امین صلح یا رئیس ثبت اسناد یا حاکم محل خواهد بود

ماده ۲۹۴

اعتراض نامه باید مراتب ذیل را دارا باشد:

۱- سواد کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهر نویسی و غیره

۲- امر به تادیه وجه برات

مامور اجرا باید در حضور یا غیاب شخصی که باید وجه برات را بدهد وعلل امتناع از تادیه یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضا یا امتناع امضا را در ذیل اعتراض نامه قید و امضا کند.

ماده ۲۹۵

هیچ نوشته ای نمی تواند از طرف دارنده برات جای گیر اعتراض نامه شود مگر در موارد

مندرجه در مواد ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ راجع به مفقود شدن برات

ماده ۲۹۶

مامور اجرا باید سواد صحیح اعتراض نامه را به محل اقامت اشخاص مذکور در ماده ۲۹۳ را

بدهد

ماده ۲۹۷

دفتر محکمه یا دفتر مقاماتی که وظیفه محکمه را انجام می دهند باید مفاد اعتراض نامه را روز به روز به ترتیب تاریخ و نمره در دفتر مخصوصی که صفحات آن به توسط رئیس محکمه یا قائم مقام او نمرده و امضا شده است ثبت نماید. در صورتی که محل اقامت برات دهنده یا ظهر نویس اولی در روی برات قید شده باشد دفتر محکمه باید آنها را توسط کاغذ سفارشی از علل امتناع از تادیه مستحضر سازد.

مبحث یازدهم برات رجوعی

ماده ۲۹۸

برات رجوعی براتی است که دارنده اصلی پس از اعتراض برای دریافت وجه آن و مخارج صدور اعتراض نامه و تفاوت نرخ به عهده برات دهنده یا یکی از ظهر نویسها صادر می کنند.

ماده ۲۹۹

اگر برات رجوعی به عهده برات دهنده اصلی صادر شود تفاوت بین نرخ مکان تادیه برات اصلی و نرخ مکان صدور آن به عهده او خواهد بود و اگر برات رجوعی به عهده یکی از ظهر نویسها صادر شود مشارالیه باید از عهده تفاوت نرخ مکانی که برات اصلی را در آن جا معامله یا تسلیم کرده است و نرخ مکانی که برات رجوعی در آنجا صادر شده است در آید

ماده ۳۰۰

به برات رجوعی باید صورت حساب (حساب بازگشت) ضمیمه شود در صورت حساب مزبور مراتب ذیل قید می گردد:

۱- اسم شخصی که برات رجوعی بعهده او صادر شده است

۲- مبلغ اصلی برات اعتراض شده

۳- مخارج اعتراض نامه و سایر مخارج معموله از قبل حق العمل صراف و دلال و وجه تمبر و مخارج پست و غیره

۴- مبلغ تفاوت نرخهای مذکور در ماده (۲۹۹)

ماده ۳۰۱

صورت حساب مذکور در ماده قبل باید توسط دو نفر تاجر تصدیق شود به علاوه لازم است برات اعتراض شده و سواد مصدقی از اعتراضات به صورت حساب مزبور ضمیمه گردد.

ماده ۳۰۲

هر گاه برات رجوعی بعده یکی از ظهر نویسها صادر شود علاوه بر مراتب مذکور در مواد ۳۰۰ و ۳۰۱ باید تصدیق نامه که تفاوت بین نرخ مکان تادیه برات اصلی و مکان صدور آن را معین نماید ضمیمه شود

ماده ۳۰۳

نسبت به یک برات صورت حساب بازگشت متعدد نمی تواند ترتیب داد و اگر برات رجوعی به عهده یکی از ظهر نویسها صادر شده باشد حساب بازگشت متوالیا به توسط ظهر نویسها پرداخته می شود تا به برات دهنده اولی برسد. تحمیلات براتهای رجوعی را نمی توان بر یک نفر وارد ساخت هر یک از ظهر نویسها و برات دهنده اولی فقط عهده دار یک خرج است.

ماده ۳۰۴

خسارت تاخیر تادیه مبلغ اصلی برات که بوسیله عدم تادیه اعتراض شده است از روز اعتراض و خسارت تاخیر تادیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از روز اقامه دعوی محسوب می شود.

مبحث دوازدهم

قوانین خارجی

ماده ۳۰۵

در موارد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت صدور است

هر قسمت از سایر تعهدات (تعهدات ناشی از ظهر نویس ضمانت قبولی و غیره) نیز که در خارج بوجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در انجا وجود پیدا کرده است معذک اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی موافق قانون ایران صحیح باشد، کسانی که در ایران تعهداتی کرده اند حق استناد به این ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات برات مقدم بر تعهدات مطابق با قوانین خارجی نیست.

ماده ۳۰۶

اعتراض و بطور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات و استفاده از آن در خارج باید بعمل آید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام باید در آنجا بشود.

فصل دوم

در فته طلب (سفته)

ماده ۳۰۷

فته طلب سندی است که به موجب آن امضا کننده تعهد می کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید.

ماده ۳۰۸

فته طلب علاوه بر امضا یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد:

۱- گیرنده وجه

۲- تاریخ پرداخت

ماده ۳۰۹

تمام مقررات راجع به بروات تجاری (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مورد فته طلب نیز لازم الرعایه است.

فصل سوم

چک

ماده ۳۱۰

چک نوشته ای است که به موجب آن صادر کننده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می نماید

ماده ۳۱۱

در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادر کننده برسد پرداخت چک نباید وعده داشته باشد.

ماده ۳۱۲

چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا حواله کرد باشد. ممکن است به صرف امضا در ظهر چک به دیگر منتقل شود

ماده ۳۱۳

وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود

ماده ۳۱۴

صدور چک ولو این که از محلی به محل دیگر باشد ذاتا عمل تجارتي محسوب نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادر کننده و ظهرنویسها و اعتراض و اقامه دعوی و ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود

ماده ۳۱۵

اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تادیه گردد، دارنده چک باید در ظرف ۱۵ روز از تاریخ صدور چک وجه را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف ۴۵ روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود
اگر دارنده چک در ظرف مواعده مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوی او بر علیه ظهر نویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود دعوی چک بر علیه صادر کننده نیز در محکمه مسموع نیست

ماده ۳۱۶

کسی که وجه چک را دریافت می کند باید آن را امضا یا مهر نماید اگر چه چک در وجه حامل باشد

ماده ۳۱۷

مقررات راجعه به چک هایی که در ایران صادر شده است در مورد چک هایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخت شود نیز رعایت خواهد شد، لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است.

فصل چهارم

در مرور زمان

ماده ۳۱۸

دعای راجعه به برات و فته طلب و چک که از طرف تجاریا برای امور تجارتي صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض نامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار بدین واقع شده باشد که در این صورت مبدا و مرور زمان تاریخ اقرار محسوب است:

در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضا مهلت اعتراض شروع می شود

تبصره

مفاد این ماده در مورد بروات و چک و فته طلبهایی که قبل از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ صادر شده است قابل اجرا نبوده و این اسناد از حیث مرور زمان تابع مقررات مربوط به مرور زمان راجع به اموال منقوله است

ماده ۳۱۹

اگر وجه برات یا فته طلب یا چک را نتوان به وسیله حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد
دارنده برات یا فته طب یا چک می تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از
کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید

تبصره

حکم فوق در موردی نیز جاری است که برات یا فته طلب یا چک یکی از شرایط اساسی
مقرر در این قانون را فاقد باشد

فصل پنجم

اسناد در وجه حامل

ماده ۳۲۰

دارنده هر سند در وجه حامل مالک و برای مطالبه وجه آن محق محسوب می شود مگر
در صورت ثبوت خلاف، معذک اگر مقامات صلاحیت دار قضایی یا پلیس تادیه وجه آن سند
را منع کند تادیه وجه به حال مدیون را نسبت به شخص ثالثی که ممکن است سند متعلق به
او باشد بری نخواهد کرد

ماده ۳۲۱

جز در موردی که حکم بطلان سند صادر شده مدیون سند در وجه حامل مکلف به تادیه
نیست مگر در مقابل اخذ سند.

ماده ۳۲۲

در صورت گم شدن سند در وجه حامل که دارای ورقه های کوپن یا دارای ضمیمه برای تجدید اوراق کوپن باشد و همچنین در صورت گم شدن سند در وجه حامل که خود سند به دارنده آن حق می دهد ربح یا منفعتی را مرتبا دریافت کند برای اصدار حکم بطلان مطابق مقررات ذیل عمل خواهد شد

ماده ۳۲۳

مدعی باید در محکمه محل اقامت مدیون معلوم نماید سند در تصرف او بوده و فعلا مفقود شده است اگر مدعی فقط اوراق کوپن یا ضمیمه مربوط به سند خود را گم کرده باشد ابزار خود سند کای است

ماده ۳۲۴

اگر محکمه ادعای مدعی را بنا بر اوضاع و احوال قابل اعتماد دانست باید وسیله اعلان در جراید به دارنده مجهول سند اخطار کند هر گاه از تاریخ انتشار اولین اعلان تا سه سال سند را ابراز ننموده حکم بطلان آن صادر خواهد شده محکمه می تواند لدی الاقتضا مدتی بیش از سه سال تعیین کند

ماده ۳۲۵

به تقاضای مدعی محکمه می تواند به مدیون قدغن کند که وجه سند را به کسی نپردازد مگر پس از گرفتن ضامن یا تامینی که محکمه تصویب نماید

ماده ۳۲۶

در مورد گم شدن اوراق کوپن نسبت به کوپنهایی که در ضمن جریان دعوی لازم التادیه می شود به ترتیب مقرر در موارد ۳۳۲ و ۳۳۳ عمل خواهد شد

ماده ۳۲۷

اخطار مذکور در ماده ۳۲۴ باید سه دفعه در مجله رسمی منتشر شود محکمه می تواند اعلان در جراید دیگر را نیز مقرر دارد

ماده ۳۲۸

اگر پس از اعلان فوق سند مفقود شده ابراز شود محکمه به مدعی مهلت متناسبی داده و اخطار خواهد کرد هر گاه تا انقضای مهلت دعوی خود را تعقیب و دلائل خود را اظهار نکند محکوم شده و سند به ابراز کننده آن مسترد خواهد گردید.

ماده ۳۲۹

اگر در ظرف مدتی که مطابق ماده ۳۲۴ مقرر و اعلان شده سند ابراز نگردد محکمه حکم بطلان آن را صادر خواهد نمود

ماده ۳۳۰

ابطال سند فوراً بوسیله درج و مجله رسمی و هر وسیله دیگری که محکمه مقتضی بداند به اطلاع عموم خواهد رسید

ماده ۳۳۱

پس از صدور حکم ابطال مدعی حق دارد تقاضا کند که به خرج او سن جدیدی یا لدی الاقتضا اوراق کوپن تازه به او بدهند - اگر سند حال شده باشد مدعی حق تقاضای تادیبه خواهد داشت

ماده ۳۳۲

هر گاه سند گم شده از اسناد مذکور در ماده ۳۲۲ نباشد به ترتیب ذیل رفتار خواهد شد:
محکمه در صورتی که ادعای مدعی سبق تصرف و گم کردن سند را قابل اعتماد دید حکم می دهد که مدیون وجه سند را فوراً در صورتی که حال باشد و پس از انقضا اجل - در صورت موجل بودن - به صندوق عدلیه بسپارد

ماده ۳۳۳

اگر قبل از انقضای مدت مرور زمانی که وجه سند مفقود پس از آن مدت قابل مطالبه نیست سند ابراز شده مطابق ماده ۳۲۸ رفتار والا وجهی که در صندوق علیه امانت گذاشته شده به مدعی داده می شود

ماده ۳۳۴

مقررات این باب شامل اسکناس نیست

قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی

روزنامه رسمی شماره ۱۵۶۶۶ مورخ ۷۷/۹/۱۶

ماده ۱ - هر کس به موجب حکم دادگاه در امر جزایی به پرداخت جزای نقدی محکوم گردد و آن را نپردازد و یا مالی غیر از مستثنیات دین از او بدست نیاید به دستور قاضی صادر کننده حکم به ازای هر پنجاه هزار ریال یا کسر آن یک روز بازداشت می گردد
در صورتی که محکومیت مذکور توأم با مجازات حبس باشد، بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام مجازات حبس شروع می شود و از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن

جرم بیشتر نخواهد شد و در هر حال حداکثر مدت بدل از جزای نقدی نباید از پنج سال تجاوز نماید

تبصره- مبلغ مذکور در این ماده به تناسب تورم هر سه سال یک بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رئیس قوه قضائیه تعدیل و در خصوص احکامی که در آن سال صادر می گردد لازم الاجرا خواهد بود

ماده ۲- هر کس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تادیه ننماید دادگاه او را الزام به تادیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیقا می نماید و در غیر اینصورت بنا به تقاضای محکوم له، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تادیه حبس خواهد کرد

تبصره- چنانچه موضوع این ماده صرفاً دین بوده و در ذمه مدیون باشد دادگاه در حکم خود مستثنیات دین را منظور خواهد داشت و در مورد استرداد عین در صورتی مقررات فوق اعمال می شود که عین موجود نباشد به جز در بدل حیلوله که برابر مقررات مربوطه عمل خواهد شد

ماده ۳- هرگاه محکوم علیه مدعی اعسار شود (ضمن اجرای حبس) به ادعای وی خارج از نوبت رسیدگی و در صورت اثبات اعسار از حبس آزاد خواهد شد و چنانچه متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود دادگاه متناسب با وضعیت مالی وی حکم بر تقسیط محکوم را صادر خواهد کرد

تبصره- در صورتی که محکوم علیه موضوع این ماده بیمار باشد به نحوی که حبس موجب شدت بیماری و یا تاخیر دران وی شود اجرای حبس تا رفع بیماری به تاخیر خواهد افتاد

ماده ۴- هر کس با قصد فرار از ادای دین و تعهدات مالی موضوع اسناد لازم الاجرا و کلیه محکومیت‌های مالی مال خود را به دیگری انتقال دهد به نحوی که باقیمانده اموالش برای پرداخت بدهی او کافی نباشد عمل او جرم تلقی و مرتکب به چهار ماه تا دو سال حبس

تعزیری محکوم خواهد شد و در صورتی که انتقال گیرنده نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد شریک جرم محسوب می شود و در این صورت اگر مال در ملکیت انتقال گیرنده باشد عین آن و در غیر این صورت قیمت یا مثل آن از اموال انتقال گیرنده بابت تادیه به دین استیفا خواهد شد

ماده ۵- مفاد این قانون در خصوص محکومین سازمان تعزیرات حکومتی نیز مجری خواهد بود

ماده ۶- آیین نامه اجرایی این قانون ظرف مدت سه ماه توسط وزارت دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه خواهد رسید

ماده ۷- این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجرا بوده و حکم مندرج در ماده (۱) شامل کلیه آرای صادره قبل از لازم الاجرا شده این قانون نیز می گردد و کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن از جمله قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۵۱ و قانون منع توقیف اشخاص در قبال تخلف از انجام تعهدات و الزامات مالی مصوب ۱۳۵۲ لغو می گردد

قانون فوق مشتمل بر هفت ماده و سه تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ دهم آبان ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تارخی ۱۳۷۷/۸/۲۰ به تایید شورای نگهبان رسیده است

آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۷۷/۸/۱۰ مجلس شورای اسلامی

روزنامه رسمی شماره ۱۵۹۶۰ مورخ ۷۸/۹/۱۸

بخش اول- جزای نقدی:

ماده ۱- چنانچه محکوم علیه پس از لازم الاجرا شده حکم، جزای نقدی را نپردازد و اظهار نماید مالی برای پرداخت آن ندارد و برای مرجع مجری حکم هم خلاف این اظهار مسلم نباشد، طبق دستور مرجع صادر کننده حکم در ازای هر پنجاه هزار ریال یک روز بازداشت می شود

تبصره ۱- اگر میزان محکومیت به جزای نقدی یا باقی مانده آن کمتر از پنجاه هزار ریال باشد نیز به ازای آن یک روز بازداشت می شود

تبصره ۲- منظور از مرجع صادر کننده حکم در این آیین نامه، در هر حال مرجع بدوی است که حکم زیر نظر او اجرا می شود

ماده ۲- هر گاه محکوم علیه برای پرداخت جزای نقدی مهلت بخواهد مرجع اجرا کننده حکم می تواند مهلت مناسبی که بیش از یک ماه نباشد به او بدهد

مرجع صادر کننده حکم می تواند به درخواست محکوم علیه و پیشنهاد مرجع مجری حکم با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت محکوم علیه و میزان جزای نقدی و سایر اوضاع و احوال موثر این مهلت را حداکثر تا دو ماه دیگر تمدید کند

ماده ۳- چنانچه محکوم علیه جزای نقدی مقرر در حکم را نپردازد اما مالی (منقول یا غیر منقول) غیر از مستثنیات دین از او به دست آید که بتوان تمام یا قسمتی از جزای نقدی را استیفا نمود به دستور مرجع مجری حکم به ترتیب ذیل عمل می شود:

الف- اگر مال مورد نظر و چه نقد باشد معادل جزای نقدی از آن ضبط و به حساب مربوط واریز می شود

ب- در مورد اموال منقول یا غیر منقول چنانچه بدون معارض باشد معادل جزای نقدی مقرر در حکم و هزینه های اجرایی فوراً توقیف و مطابق مقررات این آیین نامه به فروش می رسد و جزای نقدی و هزینه های مربوط استیفا می شود

ماده ۴- پس از توقیف مال برای استیفا جزای نقدی، نظریه دو نفر کارشناس به تعیین مرجع مجری حکم در مورد ارزش آن مال تحصیل می شود سپس روز و ساعت و محل انجام

مزایده تعیین و با الصاق آگهی در معابر اصلی محل، انجام مزایده به اطلاع عموم می رسد و به بالاترین قیمت پیشنهادی که نباید کمتر از قیمت کارشناسی باشد فروخته می شود تبصره- اگر ارزش کارشناسی مال از سی میلیون ریال بیشتر باشد آگهی مزایده یک نوبت در روزنامه محلی و در صورت نبودن آن در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار نیز درج می شود

ماده ۵- هر گاه مال مورد نظر خریدار نداشته باشد یا مبلغ پیشنهادی کمتر از قیمت کارشناسی باشد حسب مورد تمام یا قسمتی از آن مال مطابق ارزیابی کارشناس به دستور مرجع صادر کننده حکم در ازای جزای نقدی به تملک دولت در می آید و در اختیار سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی قرار می گیرد تا براساس مقررات مربوطه عمل نمایند

ماده ۶- اموال ضایع شدنی و سریع الفساد، همچنین مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن است، و نیز مالی که ارزش آن کمتر از سی میلیون ریال است بدون انجام مزایده و با نظر کارشناسی به فروش می رسد ماده ۷- چنانچه مالی از محکوم علیه معرفی شود یا مرجع مجری حکم یا قرائن قویه احتمال دهد محکوم علیه مالی غیر از مستثنیات دین دارد که می توان با فروش آن جزای نقدی را استیفا نمود تحقیقات لازم در این خصوص به عمل می آید.

ماده ۸- اگر محکوم علیه در ازای جزای نقدی بازداشت شود و در جریان اجرای حکم مالی از او به دست آید که بتوان باقیمانده جزای نقدی را استیفا نمود مال مذکور توقیف و اقدامات اجرائی در این خصوص معمول و از محکوم علیه رفع بازداشت می شود

ماده ۹- هر گاه اموال محکوم علیه متناسب با میزان محکومیت او به جزای نقدی نباشد و نتوان از این طریق جزای نقدی را استیفا نمود و تفاوت ارزش آن اموال با میزان محکومیت فاحش باشد محکوم علیه در ازای جزای نقدی بازداشت می شود و اقدامات اجرائی برای فروش و استیفای قسمتی از جزای نقدی ادامه خواهد یافت.

ماده ۱۰- هر گاه قبل از فروش مال توقیف شده جزای نقدی مقرر در حکم و هزینه های اجرائی پرداخت شود از مال مذکور رفع توقیف به عمل می آید

ماده ۱۱- در کلیه مواردی که برای پرداخت جزای نقدی مهلت داده می شود یا استیفا جزای نقدی از اموال محکوم علیه مستلزم اقداماتی است که اجرای حکم را به تاخیر می اندازد، چنانچه قبلاً از حکم متناسب با میزان محکومیت او مطابق مقررات آئین دادرسی کیفری قرار تامین صادر می کند و هر گاه این تامین منتهی به بازداشت محکوم علیه شود از میزان محکومیت او کسر خواهد شد

ماده ۱۲- حقوق و مزایا و عوائد احتمالی و آتی محکوم علیه و مطالبات او از شخص ثالث در ازای جزای نقدی قابل توقیف نیست و مانع بازداشت او نمی باشد

ماده ۱۳- در کلیه مواردی که صدور سند انتقال به نام خریدار ضرورت داشته باشد مرجع صادر کننده حکم پس از بررسی و احراز صحت جریان فروش و اقدامات اجرایی دستور تنظیم سند انتقال را صادر خواهد نمود

ماده ۱۴- از وجوه حاصل از فروش اموال توقیف شده جهت استیفا جزای نقدی، بدوا هزینه های ضروری اجرای حکم از قبیل هزینه کارشناسی و نگهداری مال و نظایر آن، پرداخت می شود

ماده ۱۵- فروش اموال توقیف شده جهت استیفا جزای نقدی با حضور نماینده مرجع مجری حکم به عمل می آید

ماده ۱۶- در مواردی که طبق این آیین نامه مقررات خاصی وضع نشده مطابق قانون اجرای احکام مدنی عمل می شود

بخش دوم- سایر محکومیت های مالی

ماده ۱۷- الزام به تادیه محکومیت های مالی موضوع ماده ۲ قانون مستلزم صدور احرا بیه مطابق قانون اجرای احکام مدنی است به جز محکومیت هایی که به تبع امر کیفری بدون تقدیم

دادخواست حاصل شده که در این صورت دستور مرجع صادر کننده حکم به منزله الزام به تادیه است

ماده ۱۸- هر گاه محکوم علیه محکوم به را تادیه ننماید به طریق ذیل عمل می شود:

الف- چنانچه موضوع محکومیت استرداد عین مال باشد آن مال عینا اخذ و به ذینفع تحویل می شود و اگر رد آن ممکن نباشد بدل آن (مثل یا قیمت) از اموال محکوم علیه بدون رعایت مستثنیات دین استیفا می گردد.

ب- در مورد سایر محکومیتهای مالی، با رعایت مستثنیات دین، مطابق مقررات قانون اجرای احکام مدنی مال وی جهت استیفا محکوم به توقیف و به فروش می رسد

ج- چنانچه استیفا محکوم به، به نحو مذکور ممکن نباشد محکوم علیه به درخواست ذینفع و به دستور مرجع صادر کننده حکم تا تادیه محکوم به یا اثبات اعسار حبس می شود

ماده ۱۹- به دعوی اعسار محکوم علیه مطابق مقررات اعسار در مرجع بدوی رسیدگی می شود

تبصره- چنانچه رسیدگی به دعوی اعسار ثابت شود محکوم علیه قادر نیست محکوم به را یکجا پردازد و لی متمکن از پرداخت به نحو اقساط می باشد، مرجع رسیدگی متناسب با وضعیت مالی او حکم به تقسیط محکوم به صادر می کند

ماده ۲۰- در مواردی که محکوم علیه به علت محکومیتهای مالی متعدد حبس شده است دعوی اعسار باید علیحده مطرح شود مگر در مورد محکومیتهایی که محکوم له آنها یکی است که در این صورت حکم اعسار شامل همه آن محکومیتهای می شود

ماده ۲۱- در مواردی که حکم به تقسیط محکوم به صادر می شود چنانچه محکوم علیه در زمان مقرر قسط را پردازد به درخواست ذینفع تا پرداخت قسط معوقه و یا اثبات اعسار او از پرداخت باقیمانده محکوم به حبس می شود.

ماده ۲۲- صدور حکم اعسار یا تقسیط، مانع استیفا حقوق محکم له از اموالی که بعد از محکوم علیه به دست می آید نخواهد بود.

ماده ۲۳- مرجع تشخیص بیماری موضوع تبصره ماده ۳ قانون، پزشکی قانونی و در صورت نبودن آن پزشک معتمد است

ماده ۲۴- این آئین نامه در ۲۴ ماده و ۴ تبصره در اجرای ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۷۷/۸/۱۰ مجلس شورای اسلامی توسط وزارت دادگستری تهیه و در تاریخ ۷۸/۲/۲۶ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید.

نکات مهم در ارتباط با قانون چک

۱- ضمن مطالعه قانون چک توجه خوانندگان را به مفاد ماده ۳۱۰ تا ۳۱۸ قانون تجارت که در ارتباط با چک می باشد جلب می نماید

۲- اساسا هدف قانون گذار استفاده از چک در معاملات نقدی و استفاده از سفته و برات جهت معاملات غیر نقدی است

۳- مزیت چک بر سایر اسناد بهادار نظیر سفته و برات علاوه بر قدرت نقدی چک و مجازات صادر کننده چک "در صورت تخلف وی" مجازات کیفری و جزائی صادر کننده چک می باشد در حالیکه سفته صرفا جنبه جزائی داشته و حداکثر می توان اموال صادر کننده سفته را تملک و تصاحب نمود ولی نمی توان صادر کننده سفته را به زندان افکند.

۴- چنانچه صادر کننده چک شخص "الف" و اشخاص "ب" و "ج" به ترتیب ظهر نویسان چک "یعنی آنرا پشت نویسی کرده باشند" و شخص "د" دارنده چک باشد نکات ذیل در این ارتباط حائز اهمیت می باشد:

۳/۱: قانون اشعار می دارد که شخص "د" می تواند طلب خود را که معادل وجه چک می باشد از هر یک از اشخاص "الف" یا "ب" یا "ج" هر کدام را که مایل باشد مطالبه نماید اما مجازات کیفری صرفا متوجه شخص "الف" می باشد در واقع مسئولیت کیفری چک

همیشه متوجه صادر کننده اصلی ولی مسئولیت حقوقی آن شامل صادر کننده اصلی و کلیه کسانی است که بهر نحو چک را پشت نویسی کرده باشند

۳/۲: دارنده چک صرفاً تا پانزده روز از تاریخ صدور چک یا تاریخ "برگشت خوردن چک" علیه ظهر نویسان اقامه دعوی نماید. در غیر این صورت مسئولیت حقوقی ظهر نویسان ساقط خواهد شد و نمی توان وجه چک را از ظهر نویسان مطالبه کرد

۳/۳: چنانچه محل صدور چک و محل پرداخت آن دو جای متفاوت (دو شهر) باشند مهلت برگشت زدن ۴۵ روز خواهد بود

۳/۴: چنانچه محل صدور چک خارج از کشور و محل پرداخت آن داخل کشور باشد مهلت برگشت زدن ۴ ماه خواهد بود

۳/۵: چنانچه محل صدور چک مشخص نباشد مهلت برگشت زدن همان ۱۵ روز خواهد بود

۳/۶: حق شکایت کیفری برای دارنده چک تا شش ماه پس از تاریخ صدور چک یا صدور گواهی عدم پرداخت می باشد و پس از این تاریخ حق شکایت کیفری از دارنده چک سلب و صرفاً شکایت حقوقی صورت خواهد گرفت

۳/۷: در ارتباط با مثال بند ۳ مجازات صادر کننده چک علاوه بر تادیه مبلغ حبس ۶ ماه تا دو سال و جریمه نقدی معادل یک چهارم کسر موجودی چک به نفع دولت می باشد

۳/۸: دارنده چک می تواند علاوه بر شکایت کیفری دادخواست ضرر و زیان علیه صادر کننده اصلی چک را نیز به دادگاه کیفری تسلیم نماید

۳/۹: دارنده چک می تواند به طور همزمان علیه صادر کننده اصلی چک و ظهر نویسان در دادگاههای حقوقی دادخواست ارائه نماید

۳/۱۰: چنانچه دارنده چک قبل از اقدام کیفری به دادگاههای حقوقی جهت استیفای حق خود مراجعه نماید دیگر نمی تواند اقدام کیفری علیه صادر کننده چک به عمل آورد.

چنانچه شخص "الف" قبل از اقدام حقوقی جهت استیفای حق خود به اجرای ثبت مراجعه نماید می تواند پس از آن نیز به دادگاههای حقوقی مراجعه نماید

۳/۱۲: چنانچه شخص "الف" صاحب حساب باشد اما شخص "ب" امضا کننده چک باشد نکات ذیل حائز اهمیت می باشد:

دارنده چک می تواند از هر یک از اشخاص "الف" یا "ب" تقاضای مطالبه وجه چک را نماید ولی صرفاً علیه "ب" می تواند تقاضای مجازات طبق قانون چک را نماید

۳/۱۳: چنانچه چک متعلق به یک شخص حقوقی "شرکت یا موسسه" باشد ولی امضا کنندگان آن اشخاص "الف" و "ب" و "ج" از مدیران شرکت باشند در صورت برگشت خوردن چک دارنده چک می تواند وجه چک را از اموال شرکت یا اموال اشخاص "الف" "ب" و "ج" مطالبه کند اما مجازات کیفری چک صرفاً بر علیه "الف، ب، ج" می باشد و سایر مدیران که چک را امضا نکرده اند مسئولیت کیفری ندارند

۳/۱۴: چنانچه مدیران شرکت تعویض یا تغییر کنند دارنده چک صرفاً بر علیه امضا کنندگان می تواند اقامه دعوی کیفری نماید اما مدیران امضا کننده چک چنانچه ثابت کنند که برگشت خوردن چک ناشی از عملکرد مدیران بعدی (جدید) می باشد مستوجب عواقب کیفری نخواهند شد در غیر اینصورت حتی با تغییر مدیریت مدیران امضا کننده چک مستوجب مجازات کیفری خواهند بود.